اسناد چاپ نشدهٔ معلمان خارجی دارالفنون

سالهای اولیهٔ سلطنت ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳- ۱۲۶۴هـ . ق.) یعنی دورهٔ کوتاه صدارت امیرکبیر(۱۲۶۸- ۱۲۶۴هـ . ق.) مقارن با پاره‌ای از اصلاحات در زمینهٔ داخلی از جمله تأسیس دارالفنون بود. اندیشهٔ ایجاد این مرکز آموزشی، برخلاف آنچه که فرانسویان معتقدند، زاییدهٔ تشویقهای دکتر طولوزان[1] و کلوکه[2] نبود، بلکه بی‌تردید از افکار میرزاتقی‌خان امیرکبیر سرچشمه گرفته است. در مورد سابقه این تفکر گفتنی است که پس از قتل گریبایدوف[3] هیئتی از ایران به ریاست خسرومیرزا، پسر عباس‌میرزا، برای عذرخواهی از امپراطور روسیه به مسکو رفت. اعضای این هیئت چند ماهی در پایتخت روسیه به سر بردند و میرزاتقی‌خان فراهانی (امیرکبیر) که عضو هیئت بود، برای نخستین‌بار با وضع تعلیم و تربیت جدید در مسکو آشنا شد. سالها بعد، وقتی محمدشاه برای فتح هرات به خراسان رفت، امپراتور روسیه به سرحد ایران آمد و ناصرالدین میرزای ولیعهد برای ملاقات او به اتفاق میرزامحمدخان امیرنظام عازم ایروان شد؛ در این سفر نیز میرزاتقی‌خان وزیر نظام با ولیعهد همراه بود و برای بار دوم به اتفاق ولیعهد، ترتیبات نظام جدید را در موکب امپراتور روس مشاهده کرد.(۱) سرانجام، اولین اختلاف ایران و انگلستان بر سر مسئلهٔ هرات در عهد محمدشاه(۲) به امیر فهماند که به خدمت مستشاران بیگانه در هنگام نیاز نمی‌توان اعتماد کرد و مانند عباس‌میرزا بدین باور رسید که در

1. Tholozan
2. Cloquet
3. Griboidov

داخلهٔ ایران برای کارهای مهم کشوری و لشکری باید مردان کارآزموده و دلسوز تربیت نمود. از طرفی، بازگشت بدون نتیجهٔ دومین دستهٔ محصلان اعزامی ایران که در ۱۲۶۰ه. ق. به پاریس رفته و بر اثر انقلاب ۱۸۴۸م. و بر هم خوردن اوضاع فرانسه و مرگ محمدشاه به ایران آمده بودند، امیر را مصمم ساخت که به ایجاد مدرسه‌ای در داخل مملکت بپردازد. البته، در ابتدا، مقصود او از تأسیس چنین مدرسه‌ای بیشتر بوجود آوردن مرکزی برای آموزش مسائل فنی، نظامی و صنعتی بود، برای آنکه از آن راه حوایج نظامی و فنی مملکت در درجهٔ اول رفع شود. شاید خبر تأسیس دارالفنونی در استانبول که به سال ۱۲۶۳ه. ق. افتتاح شد نیز در این اقدام بی‌اثر نبوده است.(۳)

به هر ترتیب، میرزاتقی‌خان در قدم اول دستور بنای مدرسه را در قسمت شمال‌شرقی ارگ شاهی که محل سربازخانه بود، صادر کرد و کار نقشه‌کشی ساختمان آن را میرزارضا مهندس‌باشی(۴) انجام داد. در ۱۲۶۷ه. ق. به قول صاحب حقایق‌الاخبار ناصری:

> موسیو جان داود، مترجم اول دولت علیه ایران، حسب‌الفرمان به مملکت آستریه [اطریش یا نمسه] شتافته، چند نفر معلم که هر یک در فنی ماهر و در علمی بحری ذاخر بودند، چون علم طب و هندسه و دواسازی و تشخیص و طریقهٔ استخراج معادن و معلم زبان فرانسه و انگلیسی و همچنین معلمین رزمیه مانند معلم پیاده و معلم سواره و معلم توپخانه، به اندازهٔ رتبت و شرافت صنعت مواجب و راتبه مشخص نموده، از ویانا [وین]، دارالخلافه آستریه، به دارالخلافهٔ طهران آورد.(۵)

هدف امیرکبیر از استخدام اتریشی‌ها آن بود که معلمان استخدام شده را حتی‌المقدور از سیاست مملکت برکنار نگاه دارد تا اینکه آنان تنها به کار تدریس و تعلیم سرگرم باشند. به همین سبب، از روس‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها فاصله گرفت.(۶) ولی عوامل استعمار پیر انگلستان درصدد برآمدند که نگذارند اتریشی‌ها با دلگرمی در ایران کار کنند و برای این منظور به دولت ایران پیشنهاد و اصرار کردند تا یک عده از افسران ایتالیایی را که بر ضد اتریش

شوریده و از آن کشور رانده شده بودند و نسبت به دولت اتریش کینه و عنادی داشتند، به‌عنوان معلم در مدرسهٔ جدیدالتأسیس و در سپاه ایران بپذیرند.(۷)

هرچند منظور میرزاتقی‌خان امیرکبیر در استخدام اتریشی‌ها عملی شد، ولی متأسفانه افتتاح دارالفنون در زمان صدارت وی صورت نگرفت. زیرا چند روز پس از آنکه از شغل صدارت منفصل گردید، این استادان که در رشته‌های مختلف تخصص داشتند، از وین وارد تهران گردیدند.(۸) با برکناری امیرکبیر و به نخست وزیری رسیدن میرزاآقاخان نوری، تحت‌الحمایهٔ رسمی سفارت انگلستان،(۹) امپراتوری بریتانیا هرچه بیشتر در بی‌اثر ساختن اقدامات میرزاتقی‌خان توانا شد و حتی دولتمردان ایرانی را وادار کرد که از معلمان اتریشی به گرمی استقبال نکنند، به طوری که دکتر پولاک در سفرنامهٔ خود می‌نویسد:

> ما در ۲۴نوامبر ۱۸۵۱، وارد تهران شدیم؛ پذیرایی سردی از ما کردند. احدی به استقبال ما نیامد و اندکی بعد خبردار شدیم که در این میانه اوضاع تغییر یافته و چند روزی قبل از ورود ما در نتیجهٔ توطئه‌های درباری و علی‌الخصوص توطئه‌های مادر شاه که از دشمنان سرسخت امیرکبیر بود، میرزاتقی‌خان مغضوب شد.(۱۰)

همین شخص در جای دیگر پیرامون نظر میرزاآقاخان نسبت به دارالفنون می‌گوید:

> میرزاآقاخان، ملقب به صدراعظم، که ریاست وزرا را به عهده داشت، دسیسه‌جویی بود بی‌بدیل که با هر پیشرفتی، بخصوص که به دست سلف او شروع شده باشد، سر مخالفت داشت. می‌خواست از تأسیس مدرسه‌ای از نوع اروپایی جلوگیری کند و چون آنها طبق قرارداد تعهداتی در قبال ما به عهده داشتند، صدراعظم می‌کوشید با دادن غرامتی رضایت خاطر ما را جلب کند و تصور می‌کرد در این مورد موفق خواهد شد؛ زیرا سفیر وقت انگلستان در ایران، کلنل جستن شیل، که با تعداد زیادتری از ایتالیایی‌های مهاجر برای سپردن مشاغل ما به آنها وارد مذاکره بود، هیچ از مأموریت ما دل خوشی نداشت. اما به هرحال، شاه با این نقشه‌ها مخالفت ورزید؛ زیرا نمی‌خواست طرحهای امیر را که

مربی و خیرخواهش بوده است، نقش برآب سازد... در نتیجه، تصمیم بر این شد که ما را تحمل کنند.(۱۱)

روز پنجم صفر ۱۲۶۸، بنابرآنچه که در روزنامهٔ وقایع اتفاقیه درج شده است:

ناصرالدین‌شاه به نفس نفیس همایون برای تماشا و مشاهدهٔ وضع و طور مدرسهٔ مزبوره تشریف‌فرما شدند. جناب مقرب‌الخاقان میرزا محمدعلی خان، وزیر دول خارجه، و عالیجاه مقرب‌الخاقان عزیزخان، آجودانباشی، و بعضی دیگراز اعیان دربار همایون که شرفیاب حضور مبارک بودند، هریک را به مناسبت شغل و شأن خود، به خطابات و فرمایشات ملوکانه متعلق بر انتظام عمل مدرسه و تعلیمات آنجا سرافراز فرمودند...(۱۲)

سرانجام، مدرسه در روز یکشنبه پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ه. ق. ده روز پیش از قتل امیرکبیر، به طور رسمی افتتاح شد و محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه چگونگی گشایش آن را در مرآة البلدان چنین می‌نویسد:

... یکصدنفر از شاهزادگان عظام و امرا و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در این مدرسه منتخب شده بودند، توسط میرزامحمدعلی‌خان، وزیر دول خارجه، شرف‌اندور خاک پای مبارک شده، بعد از آن به مدرسهٔ مبارکه آمده، به میمنت، شروع به تحصیل کردند و در این روز دارالفنون افتتاح یافت.(۱۳)

دارالفنون در بدو تأسیس به ۷ شعبه تقسیم شده بود: ۱. پیاده‌نظام؛ ۲. سواره‌نظام؛ ۳. توپخانه؛ ۴. مهندسی؛ ۵. طب و جراحی؛ ۶. داروسازی؛ ۷. معدن‌شناسی.

در شعب هفتگانهٔ فوق، شاگردان علاوه‌بر علوم اختصاصی، دروس دیگری که متناسب با هر شعبه‌ای بود، از قبیل تاریخ، جغرافیا، طبیعیات، ریاضیات، زبانهای فارسی، عربی و فرانسه، را می‌آموختند.(۱۴) تعداد شاگردان در رشته‌های مختلف در سال نخست تأسیس دارالفنون به شرح زیر بود: توپخانه ۲۶ نفر، طب ۲۰ نفر، پیاده‌نظام ۳۰ نفر، سواره‌نظام ۵ نفر، مهندسی ۱۲ نفر، دواسازی ۷ نفر، معدن‌شناسی ۵ نفر (جمع کل ۱۰۵ نفر)(۱۵)

شاگردان هر شعبه، لباس مخصوص و معینی داشتند و سالانه دو دست لباس (زمستانی و تابستانی) به رایگان میان محصلان توزیع می‌شد. ساعات کار دارالفنون به گفتهٔ دکتر فوریه، طبیب ناصرالدین‌شاه؛ "از ساعت هشت صبح تا سه بعدازظهر بود و شاگردان ناهار را در مدرسه می‌خوردند."(۱۶) بودجهٔ اولین سال دارالفنون ۷۷۵۰تومان بود(۱۷) و در سال ۱۳۰۷هـ. ق. به تصریح کرزن به ۳۰ هزار تومان می‌رسیده است.(۱۸) به طورکلی، معلمانی که در ادوار اولیهٔ دارالفنون در آن مدرسه به تدریس پرداخته‌اند به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

الف) اروپاییانی که درگذشته به ایران آمده بودند و درکار تعلیم جوانان دست داشتند:

۱. استانیسلاس بروسکی[1] لهستانی که به کار تعلیم جغرافیا و زبان فرانسه پرداخت.

۲. بوهلر[2] فرانسوی، معلم ریاضی.

۳. ژول ریشارد[3] فرانسوی که در اواخر عهد محمدشاه به ایران آمده و در عهد امیرکبیر مأمور خدماتی شده بود. او بعدها اسلام آورد و به میرزارضاخان معروف شد.

۴. شلیمر[4] هلندی، معلم طب، که لغتنامهٔ نفیسی نوشته و به اسم او مشهور است.

۵. لُمر[5] فرانسوی، معلم موسیقی.

ب) معلمان اتریشی:

۱. کاپیتان زاتی[6] (زاطی، ساتی)، معلم مهندسی.

۲. کاپیتان گومنز[7] (کومنس)، معلم پیاده‌نظام و فن رزم‌آزمایی.

---

1. Stanislas Borowsiky
2. Bohler
3. Jules Richard
4. Schlimer
5. Le Maire
6. Zattie
7. Gumones

۳. نایب اول کرزیز[1] (کرشش)، معلم توپخانه.

۴. نایب اول نمیرو[2] (نمرو)، معلم سواره‌نظام.

۵. کارنتا[3] (چرنطای، چارنوطا)، معلم معدن‌شناسی.

۶. دکتر پولاک[4] (پلاک)، معلم طب و جراحی و تشریح.

۷. فکتی[5] (فکتی، کوتاکی، فکاته)، معلم علوم طبیعی و داروسازی.(۱۹)

از ۷ تن معلمان فوق که به فرمان امیرکبیر استخدام و همان‌طور که گفته شد در ابتدای ۱۲۶۸هـ. ق به تهران رسیدند، چارنوطا، معلم معدن‌شناسی، در ۱۲۷۰هـ. ق. در تهران فوت کرد و کاپیتان گومنز،معلم پیاده، که دوساله استخدام شده بود، در اواخر ۱۲۶۹هـ. ق. به اتریش بازگشت و بقیه نیز در سالهای ۱۲۷۵ و ۱۲۷۶هـ. ق. ایران را ترک گفتند. از این میان، دکتر پولاک در۱۲۷۲هـ. ق. موقعی که دکتر کلوکه فرانسوی، طبیب سابق محمدشاه و ناصرالدین‌شاه، در تهران درگذشت، حکیم‌باشی شاه شد.(۲۰)

پ) معلمان ایرانی مسلمان که از جمله به تعلیم ادبیات و شرعیات اشتغال داشتند:

۱. میرزا احمد طبیب کاشانی، معلم طب.

۲. شیخ صالح، معلم مقدمات و زبان فارسی.

۳. ملاحسین، معلم فارسی و عربی.

۴. میرزا اسدالله، معلم فارسی و عربی و پیش‌نماز مدرسه.

۵. میرزا رضای دکتر، معلم طب جدید.

۶. میرزا عبدالغفارنجم‌الملک، معلم ریاضی و نجوم.

۷. میرزا کاظم محلاتی، معلم شیمی.

---

1. Kreziz
2. Nemiro
3. Carnotta
4. Polak
5. Foketi

۸. میرزا ابوالقاسم حکیم‌باشی، معلم طب ایرانی.

۹. میرزا علی دکترهمدانی، معلم طب جدید.

۱۰. میرزا حسین دکتر، معلم طب جدید.

۱۱. میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی، معلم نقاشی و زبان فرانسه.

۱۲. علی‌خان، معلم توپخانه.

۱۳. محمدآقا سرهنگ، معلم پیاده‌نظام.

۱۴. میرزامحمد خلیفه، که در جلد دوم مرآة‌البلدان از او یاد شده است و تدریس او مشخص نیست.(۲۱)

ت) معلمان ارمنی آذربایجان یا جلفا که به یک یا چند زبان خارجه و یا علوم جدید آشنایی داشتند:

۱. ملکم‌خان، پسر میرزایعقوب ارمنی جلفایی، که بعدها ناظم‌الدوله لقب گرفت و به عنوان جدیدالاسلام به مقاماتی نیز رسید. معلم حساب و هندسه.

۲. نظرآقا، از ارامنهٔ آذربایجان که مترجم دوم روسی در وزارت امورخارجه بود و بعدها یمین‌السلطنه لقب گرفت و وزیر مختار ایران در پاریس شد، معلم زبان فرانسه و جغرافیا.

۳. مادروس‌خان، از ارامنهٔ جلفا که فرانسه و روسی خوب می‌دانست و سابقاً در مسکو تحصیل کرده، و مترجم دولتی بود، معلم زبان.(۲۲)

ث) معلمان فرانسوی:

۱. پتی[1]، معلم پیاده‌نظام.

۲. نیکلا[2]، معلم توپخانه.

1. Petit

2. Nikola

۳. ژرژ[1]، معلم امراض داخلی.

۴. گاله[2]، معلم جراحی.

۵. گاشه[3]، معلم امراض داخلی.

۶. دوشن[4]، معلم امراض داخلی.

۷. اُلمر[5]، معلم فیزیک و شیمی.

۸. دانتون[6]، معلم علوم طبیعی.

۹. لبلان[7]، معلم طبیعیات.

۱۰. لاتس[8]، معلم فیزیک و شیمی.

۱۱. هوسه[9]، معلم پیاده‌نظام.

۱۲. پش[10]، معلم زبان فرانسه.

۱۳. کنستان[11]، معلم نقاشی.

۱۴. روس[12]، معلم قورخانه.

ج) معلمان ایتالیایی:

۱. کلنل‌متراتسو[13]،معلم پیاده‌نظام و فن جنگ.

۲. پشه[14]، معلم پیاده‌نظام .

۳. آندره‌نی[15]، معلم پیاده‌نظام.

۴. گاژرپلو[16]، معلم نقاشی.

چ) معلمان آلمانی:

۱. وت[17]، معلم پیاده‌نظام.

۲. فلمر[18]، معلم توپخانه.

۳. آلبو[19]، معلم طب.

به هر ترتیب، به‌رغم تمام مخارجی که دارالفنون دربر داشت، این مدرسهٔ تازه تأسیس

---

1. George
2. Gualet
3. Gachet
4. Duchesne
5. Olmer
6. Danton
7. Leblan
8. Latess
9. Husse
10. Pesc
11. Konstante
12. Russ
13. Metratso
14. Pesce
15. Andreni
16. Gagrpolo
17. Wet
18. Felmer
19. Albu

به سبک اروپایی نتوانست مشکلات و محدودیتهای فرهنگی جامعه را آنچنان که باید و شاید رفع کند. در این که چرا از دارالفنون چندان نتیجه‌ای عاید جامعهٔ ایران نشد، مرحوم استاد محیط طباطبایی در روزنامهٔ شفق سرخ این‌گونه می‌نویسد:

قرینه‌ها حکایت می‌کند که در [تأسیس دارالفنون] صلاح مملکت را منظور داشته، ولی آن روز که درِ مدرسه گشوده شد، دیگر جزو تظاهرات و تشریفات درباری محسوب می‌شد. در مدت ۷سال، عدهٔ شاگردان مدرسه از ۱۰۰نفر بالا نرفت. دربرنامهٔ کار آن تغییری پیدا نشد؛ زیرا همین قدر خودنمایی برای نشان دادن ترقی به دیگران کافی بود. مشتی شاهزاده و خان‌زاده و آقازاده را در محوطه جمع کرده بودند و به ایشان درس می‌دادند که در آینده نوکر باسواد باشند. برای ملت و مملکت ایران کسی در فکر عضو مفید نبود والّا، بجای آن آقازادگان نازپرور از فرزندان رنج‌کشیدهٔ کشور یکصد نفر انتخاب می‌شدند، قطعاً نتیجهٔ کار طور دیگری بود. باعث بر تأسیس مدرسه وقتی تهیهٔ نوکر باسواد باشد، نتیجه بهتر از این نمی‌شود، یعنی پس از آن همه جّد و جهد و سفر و حضر و تألیف و ترجمه(۲۳) بالاخره ۱۰۰نفر نوکر بر شمارهٔ نوکران قدیم اضافه می‌شود... از همه بدتر، این مدرسه مانند موجود جامدی بود که قبول هیچ‌گونه تغییر و اصلاحی نمی‌کرد. در مدت ۵۰ سال، ریاست و نظارت و معلمی آن به توارث در چند خانوادهٔ تهران دور می‌زد. باری بهترین استعدادها و نیکوترین فرصتها را ضایع کردند، ولی به این دلخوش بودند که اقلاً تظاهری کرده‌اند و مدرسه‌ای گشوده‌اند.(۲۴)

اینک نمونه‌هایی از قراردادهای استخدام ۵تن از معلمان دارالفنون که در عهد ناصری مشغول به کار شدند، در زیر می‌آید

واحد نشر اسناد

محمدنادر نصیری‌مقدم

شماره سند: ۱

موضوع: قرارنامهٔ استخدام کپیتان بوهلر[1]

تاریخ: رجب ۱۲۶۹

صورت قرارنامه‌ای‌ست که از عالیجاها موسیو جان در دست کاپیتان بوهلر است

بندهٔ درگاه، مترجم اول دولت علیه ایران و مترجم اول سفارت مأمور دربار اعلیحضرت ایمپراطور[امپراتور] کل ممالک روسیه از جانب امنای دولت اعلیحضرت شاهنشاهی مأذون شده که به اسم آن دولت علیه برای خدمت‌گذاری[خدمتگزاری] آن دولت، مسیو کپیتان بوهلر مهندس نظامی ساکن شهر مارسیل و رعیت اعلیحضرت ایمپراطور فرانسها را اجیر نماید؛ لهذا این بندهٔ درگاه مشارالیه را از قرار شروط ذیل و به طوری که خود او حضور داشته باشد، اجیر می‌نماید:

اولاً انکه مسیو کپیتان بوهلر به دارالخلافهٔ طهران رفته، در مدرسهٔ نظامی آنجا جمیع قواعد و فنون این عمل را به اطفال مدرسه تعلیم نماید یا آنکه در میان قشون باشد. در هر صورت، این وابسته به رأی امنای دولت علیه است که مشارالیه را به هر خدمتی که لازم بدانند، مأمو[ر] نمایند.

ثانیاً، مسیو کپیتان بوهلر پنج‌ساله اجیر است که به ارادت و صداقت به دولت اعلیحضرت شاهنشاهی خدمت نماید و اگر در انقضای وعدهٔ این شرطنامچه، امنای دولت

---

۱. بوهلر: پس از زطی، موسیو بوهلر فرانسوی که از دیپلمه‌های مدرسهٔ پلی‌تکنیک پاریس بوده، و از پاییز ۱۲۶۹ به تهران آمده بود، معلم مهندسی مدرسه شد. این شخص در قشون فرانسه سابقهٔ خدمت و در کار خود تجربیاتی داشت که برای شاگردان دارالفنون مفید بود. بوهلر در جنگ هرات شرکت داشت و به سپاهیان ایران کمک علمی و فنی کرد و بدین‌جهت مورد تنفر سخت انگلیسی‌ها واقع شد، به طوری که "رالینسون" در ملاقات با امیرنظام گروسی مراتب تنفر دولت انگلستان از او را آشکارا اظهار داشت. بوهلر از داناترین و صدیق‌ترین معلمان خارجی بود که در خدمت دولت ایران بودند. وی حساب و هندسه و جبر و مثلثات و نقشه‌کشی را تدریس می‌کرد. مترجم وی محمدحسین‌خان قاجار بود. بوهلر چند کتاب نیز نوشت که عبدالرسول‌خان اصفهانی و جعفرقلی‌خان هدایت ترجمه و چاپ کردند. پس از آنکه افسران همراه فرخ‌خان امین‌الدوله که از فرانسه استخدام شده بودند، به تهران رسیدند، بوهلر از مدرسه به نظام منتقل شد و سالیانی دراز در قشون ایران با درجهٔ سرتیپی خدمت کرد. حسین محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴)، ص ۲۷۲.

علیه ایران یا مسیو کپیتان بوهلر خواهشمند باشند که به رضای طرفین در مدت شرطنامچه امتدادی بدهند، مختارند و به مشارالیه که به جهت مواجب سالی از هر جهت مبلغ هفت‌صدتومان نقد رایج دولت علیه ایران که مساوی ششصد و شصت با حقلوی هولاند[هلند] می‌شود، خواهد رسید که در هر سه ماه به سه ماه پیش داده خواهد شد، از تاریخی که مشارالیه به خاک ایران می‌رسد.

ثالثاً، به مسیو کپیتان بوهلر به جهت مخارج راه مبلغ دویست‌تومان نقد رایج ایران که مساوی صدونود باحقلوی هولاند باشد، خواهد رسید که از راه طربزان به دارالخلافه طهران برود و همان مبلغ هم از امنای دولت علیه ایران بعد از انقضای مدت پنج سال به مشارالیه به جهت مخارج مراجعت به ولایت خود خواهد رسید.

رابعاً، اگر بر فرض مسیو کپیتان بوهلر شکایت و یا مطالبی داشته باشد، باید بلاواسطهٔ غیر به عرض امنای دولت علیه ایران برساند.

خامساً، مسیو کپیتان بوهلر در اجیر شدن به خدمتگذاری دولت علیه ایران باید همهٔ شرایع و رسوم قواعدی که در مملکت مزبور برقرار است، منظور کرده، احترام نماید. این شرطنامچه اگرچه مخصوص است، ولی همان حکم را دارد که گویا در حضور کارگذاران[کارگزاران] به اتمام رسیده و مثل آن منظور خواهد شد.

به تاریخ شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۶۹

محل مهر داودخان

[حاشیه]: عالیجاه مجدت همراه موسی کپیتان مهندس نظامی که به خدمتگذاری دولت علیه ایران خواهش کرده، آمده است روز شنبه هیجدهم شهر محرم‌الحرام وارید[وارد] سرحد دولت قاهره شد. ازینجا هم فدوی سواره همراه کرده از سرحد دولت قاهره صحیح و سالم گذاراندیم [گذراندیم] عازم دارالخلافه طهران شدند.

محل مهر خلیفه قلی‌خان

شمارهٔ سند: ۲

موضوع: قرارنامهٔ استخدام دکتر آلبو[1]

تاریخ: ذیقعده ۱۲۹۹

مابین دولت علیه ایران به وکالت جناب مخبرالدوله، وزیرعلوم، و دکتر آلبو رعیت دولت پروس قرارنامه ذیل برقرار شد:

اول، دولت علیه ایران دکتر آلبو را از بیست‌وچهارم ماه سپتامبر ۱۸۸۲ مسیحی که مطابق دهم شهر ذیقعده الحرام ۱۲۹۹ است، لغایت مدت سه سال شمسی برای معلمی علم طب مدرسه مبارکه دارالفنون و هرچه مربوط به این علم باشد، اجیر می‌کند.

دوم، مواجب دکتر آلبو در این سه سال سالی هزار تومان پول ایران است که به اقساط سه‌ماهه به او داده خواهد شد.

سیّم، دولت علیه ایران از بابت مخارج سفر دکتر آلبو از فرنگستان به ایران و برگشتن، هریک، یکصدوپنجاه تومان به او خواهد داد.

چهارم، هرگاه خبر فسخ این قرارنامه شش ماه قبل از انقضای سه سال داده نشود، همین قرارنامه تا سه سال دیگر برقرار خواهد بود، ولی در سه سال دوم مواجب دکتر آلبو سالی هزاروسیصدتومان خواهد بود.

پنجم، دکتر آلبو در مدرسه یک پولی کلینک [پلی‌کلینیک] و در مریضخانه یک کلنیک برای امراض ظاهری و باطنی برپا خواهد نمود و ترتیب دواخانه نیز خواهد داد.

ششم، برای ترجمهٔ درسهای دکتر آلبو از ادارهٔ مدرسه مترجم قابلی به او خواهند داد.

هفتم، هرگاه دولت علیه ایران شغل دکتر آلبو را قبل از سه سال قطع نماید، باید بقیهٔ مواجب سه سال را به انضمام خرج سفر به او بدهد.

---

۱. دکتر آلبو: در ۱۳۰۰-۱۲۹۹ هـ. ق. که علیقلی‌خان مخبرالدوله، وزیر علوم، از مسافرت برلن بازمی‌گشت، وی را به عنوان معلم طب با خود آورد و او تا سال ۱۳۰۸ هـ. ق. عهده‌دار تدریس طب فرنگی در دارالفنون بود و دکتر خلیل‌خان (اعلم‌الدوله و ثقفی‌بعد) سمت خلیفگی او را داشت. با آمدن دکتر آلبو، شعبهٔ طب دارالفنون از نو رونقی گرفت. محبوبی اردکانی، همان کتاب، ص ۲۷۸.

هشتم، از قرارنامهٔ فوق دو نسخه نوشته شده که به امضای طرفین و سفارت روسیه خواهد رسید و هریک نسخه[ای] ضبط خواهند کرد.

هو

وزیر امورخارجه دولت علیه ایران میرزاسعیدخان

[سجع مهر]: وزیرامور دول خارجه دولت علیه ایران میرزاسعیدخان ۱۲۶۶

شمارهٔ سند: ۳

موضوع: قرارنامهٔ استخدام مسیو ادوارد کهلر

تاریخ: صفر ۱۳۰۰

قرارنامه‌ای است که فیمابین جناب مستطاب اجل وزیر امورخارجه
از جانب دولت علیه ایران با مسیو ادوارد کهلر،
معلم توپخانهٔ مبارکه، منعقد گردیده است:

فصل اول، مسیو ادوارد کهلر، معلم توپخانهٔ مبارکه، متعهد می‌گردد که به خدمتگذاری [خدمتگزاری] دولت علیه ایران به امر معلمی توپچیان توپخانهٔ مبارکهٔ دولت علیه ایران اشتغال ورزد، به این معنی قشونی راکه از جانب وزارت جنگ دولت علیه ایران درامکنه[ای] که از جانب حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر و وزیر جنگ معین می‌شود، موافق قواعدی که الحال به جهت قشون دولت اطریش [اتریش] مجارستان متداول است، مشق داده و تعلیم نماید.

فصل دوم، درجهٔ منصبی که در قشون دولت علیه ایران مسیو ادوارد کهلر، معلم توپچیان توپخانهٔ مبارکه، باید حاصل نماید، از جانب حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر و وزیر جنگ به او داده می‌شود.

فصل سیّم، دولت علیه ایران از طرف خود متعهد می‌شود که در ازای خدمات معلم مزبور از قرار ذیل به او مرحمت فرماید: مواجب سالیانه به موجب قراردادی که یک سال قبل در وین شده است، مبلغ سه‌هزاروسیصد قران و دولت علیه ایران نیز اضافه می‌فرماید هزارودویست قران که جمیع آن چهارهزاروپانصد قران بوده باشد، به این معنی که از قرار قسط سه ماه به سه ماه به‌طور مساعده در حق او بپردازند.

فصل چهارم، زمان خدمت مسیو ادوارد کهلر، معلم توپچیان توپخانهٔ مبارکه، از روز امضای قرارنامه محسوب خواهد شد و مواجبی که به موجب فصل سیّم به جهت او مقرر شده است، از همان تاریخ خواهد بود.

فصل پنجم، روز امضای قرارنامه، مبلغ یکهزارویکصدوبیست‌وپنج قران از بابت سه ماه مواجب، به‌طور مساعده در وجه معلم مزبور پرداخته خواهد شد.

فصل ششم، خدمتی که معلم مزبور باید به انجام برساند از جانب حضرت مستطاب اشرف ارفع‌امجد والا آقای نایب‌السلطنه امیرکبیر و وزیر جنگ یا مأموری از طرف حضرت معظم‌الیه است که به مثل صاحب‌منصبان ایران به آن اطاعت نماید و هرگاه سفر جنگی اتفاق افتد، معلم مزبور بدون اینکه تمنا و ادعایی نماید به همراهی صاحب‌منصبان ایران عازم و مصمم آن سفر گردد و به مثل حضرت معظم‌الیه با فوج توپچیان خود در سربازخانه منزل نماید.

فصل هفتم، مدت این قرارنامه از روز پانزدهم ماه دسامبر ۱۸۸۲ الی سه سال شمسی تمام است. هرگاه بعداز سه سال، تجدید قرارنامه از برای معلم مزبور نشد، به جهت مخارج مراجعت او به فرنگستان دولت علیه ایران مبلغ یکهزارویکصد قران عاید و مرحمت می‌فرماید.

در طهران به تاریخ پانزدهم ماه دسامبر سنهٔ ۱۸۸۲ مسیحی
مطابق چهارم شهر صفرالمظفر ۱۳۰۰ هجری

به دو نسخه نوشته شده است

شمارهٔ سند: ۴

موضوع: قرارنامهٔ استخدام مسیو وویلیه[۱]

تاریخ: ربیع‌الثانی ۱۲۹۹

صورت شرایط قرارنامه مابین اولیای دولت اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران و مسیو وویلیه مهندس:

فصل اول

اولیای دولت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ایران به موجب این قرارنامهٔ حاضره و به شرایط ذیل مسیو وویلیه مهندس را که تصدیق از وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامهٔ فرانسه دارد، اجیر خدمت دولت علیه می‌نمایند.

فصل دویّم

طول مدتی که مسیو ویلیه از قرار این قرارنامه اجیر می‌شود، سه سال شمسی است، یعنی از تاریخ بیست‌ویکم ماه مارس ۱۸۸۲ فرانسه مطابق سلخ ربیع‌الثانی از روز نوروز هذه‌السنهٔ یونت‌ئیل ۱۲۹۹ هجری الی ۱۸۸۵ مسیحی اواخر جمادی‌الاول هزار و سیصدودو هجری اعتبار خواهد داشت.

فصل سیّم

مواجب مسیو وویلیه در سال مبلغ هزارودویست تومان رایج ایران است، باید سه ماه

---

۱. وویلیه: این معلم معدن شناسی، موسیو وویلیه، مهندس معدن و فارغ‌التحصیل مدرسهٔ سنت‌اتین بود که به قول دکتر فوریه "دارای ملکاتی فاضله و در راه ایفای به‌وظیفه جاهد بود". محبوبی اردکانی، همان کتاب، ص۲۷۶، فوریه، سه سال در ایران، ص۱۲۹.

به سه ماه پرداخته شود.

فصل چهارم

موجب همین قرارنامه مسیو وویلیه متعهد و متقبل می‌شود که خصوصاً به عمل کارخانه چودن‌ریزی و سایر کارخانهای [کارخانه‌های] مکانیک که در قورخانه دایر است، رسیدگی نموده، اولاً مواظبت و اهتمام تمام کرده چودن نرم ممتاز کم‌خرج به‌عمل آورده، به مصرف ریختن همه نوع اشیاء از قبیل چرخ دندانه و قطعات ماشینهای کوچک و بزرگ و صفحات نازک و پایهٔ چراغ و سایر مصنوعات معموله در کارخانجات فرنگستان برساند. اما عمل ساختن و ترتیب قالب اشیاء مذکوره برعهده مشارالیه نیست، بلکه بر ذمهٔ عملجات مخصوص قورخانه است. ثانیاً، سرکشی و مراقبت از دستگاههای کارخانهای قورخانه بکنند تا هرگونه عیب و منقصت که دید، رفع نماید و هرگاه دستگاهی از کار افتاد، در صورت امکان به معاونت عملجات و اسباب موجودهٔ قورخانه راه بیندازد.

ایضاً تکلیف مشارالیه است که دستگاههای کوچک و بزرگ و افزاری که به کار تسهیل کارهای چوب‌آلات و آهنگری می‌خورد، خصوصاً منگنهٔ مخصوص ترتیب اشیاء برنجی و مسی بسازد؛ اما بدین شرط که این دستگاهها مختصراً باشند والاّ، ابداً تعهد به ساختن دستگاههای صعب پرکار نمی‌کند.

فصل پنجم

مسیو وویلیه همواره بلاواسطه محکوم به احکام و اوامر حضرت مستطاب اشرف امجد والانایب‌السلطنه امیرکبیر و وزیر جنگ و رؤسای قورخانه مأمورین وقت خواهد بود. حضرت مستطاب اشرف امجد والا و رؤسای قورخانه را لازم است که عملجات و افزار و سایر مایلزم انجام کارهای محوله به مسیو وویلیه را تدارک و موجود بکنند و نیز کمال مراقبت و اهتمام تمام را داشته باشند که عملجات هر صنفی موافق دستورالعمل مشارالیه در بهبودی یا

تغییر رسومات معموله رفتار نموده، تجاوز نکنند. از آن طرف، مسیو وویلیه برای تربیت عملجاتی به او می‌سپارند باید ایشان را هر نوع قاعده که به عوض قواعد معمولهٔ حالیهٔ صنعتگری می‌خواهد مجری بدارد، بیاموزد که بتوانند عمل کنند.

فصل ششم

وکذلک به مقتضای وجوب می‌توان مسیو وویلیه را مأمور سرکشی و رسیدگی سایر کارخانجات چودن‌ریزی و آهنگری ایران و خصوصاً کارخانجاتی که در نائیج و ماسوله موجود است، نمود. در این صورت، مسیو وویلیه باید به اماکن مشخصه رفته، کارخانجات را ملاحظه نموده، دستورالعمل لازمه در بهبودی طرز چودن‌ریزی و آهنگری که حالا معمول است، بدهد تا مقرون به قاعده باشد، به‌طوری که چودن سیاه کم‌خرج مخصوص قورخانه دارالخلافهٔ باهرهٔ طهران و ریختن اشیایی که در فصل چهارم ذکر شد، به‌عمل بیاید.

فصل هفتم

هر دفعه که مسیو وویلیه از طرف دولت به جهت سرکشی کارخانجات ریخته‌گری یا کار دیگر در خاک مملکت ایران مأمور شد، مادامی که در سفر است، بعلاوهٔ مواجب مقرره، روزی دوتومان به عنوان مخارج سفر به او داده می‌شود، ایام حرکت و روز ورودهم محسوب شود.

فصل هشتم

مسیو وویلیه متعهد و متقبل می‌شود که قوانین و رسومات معمولهٔ ایران را محترم و منظور بدارد.

[سجع مهر]: وزیر امور دول خارجهٔ دولت علیه ایران، میرزا سعیدخان

شمارهٔ سند: ۵

موضوع: قرارداد استخدام مسیو لُمر[1]

تاریخ: ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۰۴

نمره: ۱

مابین جناب مستطاب اشرف افخم مشیرالدوله، وزیر امورخارجه، ومسیو لُمر که در ارپادگاله تولد یافته و در طهران مسکن دارد و رئیس موزقانچیهای [نوازندگان] نظامی اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی دامت شوکته است، فقرات مفصله ذیل قرار گردیده است:

فصل اول

مسیو لمر متقبل می‌گردد از روز بیست‌ویکم ماه مارس ۱۸۸۷ مطابق بیست‌وپنجم ماه جمادی‌الثانی عید نوروز تنگوزئیل ۱۳۰۴ تا مدت سه سال به ریاست موزقانچیها برقرار باشد.

فصل دوم

مسیولمر متقبل می‌گردد که موزقان نظامی فرانسه راکه در افواج برقرارگردیده است، به موزقانچیهای ایرانی هرچند که به او بسپارند، بیاموزد. او باید جمیع اهتمام و توجه را در تکمیل این صنعت متعلمین خود بنماید. مسیو لمر بعلاوه براین، متعهد می‌گردد که ده نفر رئیس موزقانچی را تعلیم و تربیت نماید، به قسمی که بعداز مدت پنج سال متوالی تحصیل

۱. لومر: مسیو لومر [لمر] فرانسوی و معلم موسیقی بود و در اواخر عهد ناصرالدین‌شاه در دارالفنون خدمت می‌کرد. اعتمادالسلطنه می‌گوید که وی داماد طولوزان بوده و در مورد خریدن و یا گرفتن امتیاز برای انگلیسی‌ها کار می‌کرده است. جای دیگر می‌گوید: "لومر موزیکانچی... موزیکانچی‌گری را ترک کرده، سالی سه‌چهار هزارتومان از دولت جیره و مواجب می‌گیرد و برای خود تجارت می‌نماید..." خود یا پسر این شخص هم گویا زمانی جزو مامورین گمرک بوده و مدتی در یزد اقامت داشته است. محبوبی اردکانی، همان کتاب، ص۲۸۳، به نقل از خاطرات اعتمادالسلطنه.

بتواند[بتوانند] از عهدهٔ موزقان نظامی و تعلیم موقانچی برآیند.

فصل سیّم

دولت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران خلدالله سلطانه از طرف خودشان متقبل می‌گردند که به مسیو لمر در سال به رسم مواجب و معاش او مبلغ هزاروپانصد تومان التفات فرمایند. این مبلغ در عرض سال در سه موعد چهار ماه به چهار ماه پرداخته خواهد شد. انشاءالله تعالی...

فصل چهارم

در جمیع خواهشها و مطالباتی که مسیو لمر خود را ذیحق بداند، باید فقط به اطلاع جناب اشرف اجل امجد مشیرالدوله، وزیر امورخارجهٔ دولت علیه ایران، برساند؛ نه آنکه به جهت خواهشها و مطالبات مذکورهٔ فوق وضع دیگر اختیار نماید. علاوه بر این، مسیو لمر متعهد می‌گردد که به شخصی که مأمور به تعیین اعمال و مشاغل او از جانب حضرت اسعد ارفع اعظم والاتبار شاهنشاه زاده نایب‌السلطنه العلیه العالیه امیرکبیر وزیر جنگ دولت علیه ایران می‌گردد، اطاعت نماید. مسیو لمر می‌باید قوانین و رسوم مملکت را احترام بدارد.

فصل پنجم

چنانچه دولت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ادام‌الله عظمته مصلحت بر این دانند که مسیو لمر را به بلاد مختلفهٔ ایران بفرستند، او باید بدون هیچ‌گونه صعوبت برود.

فصل ششم

دولت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی متعهد می‌گردند که مسیو لمر مبلغ سه هزار فرانک که عبارت از سیصدتومان باشد، به جهت مسافرت حین مراجعت او از طهران به

پاریس مرحمت فرمایند، مشروط بر اینکه او مدت خدمت سه سالهٔ خود را در ایران به انجام برساند.

فصل هفتم

مسیو لمر متقبل می‌گردد که به موجب شرایط مقررهٔ فوق رفتار و عمل نماید.

این قرارنامه در طهران به تاریخ ۲۵ جمادی‌الثانی تنگوزئیل ۱۳۰۴ مطابق بیست‌ویکم ماه مارس هزاروهشتصد و هشتاد و هفت مسیحی به فرانسه و فارسی نسختین مرقوم و امضا گردیده است.

امضا

یادداشتها

۱. محمدمحیط طباطبایی، "دارالفنون"، شفق سرخ، شمارهٔ ۲۷۳۷.

۲. نگاه‌کنید به: محمدنادر نصیری‌مقدم، "اسنادی از اولین اختلاف ایران و انگلستان بر سر مسئلهٔ هرات"، مجله سیاست خارجی، شمارهٔ ۱، سال ششم، (بهار ۱۳۷۱)، ص‌ص ۱۹۷-۱۹۱.

۳. عباس اقبال، "بعداز صد سال"، یادگار، سال پنجم، شمارهٔ ۴و۵، ص۲.

۴. از شاگردان اعزامی به لندن در زمان فتحعلیشاه که در آنجا درس خوانده بود.

۵. محمدجعفر خورموجی، حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیوجم، (تهران: نی، ۱۳۶۳)، ص ۱۰۸.

۶. یاکوب ادوارد پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱)، ص ۲۰۶.

۷. حسین محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴)، ص ۲۵۹.

۸. حسین مکی، زندگی میرزاتقی‌خان امیرکبیر، (تهران: ایران، ۱۳۶۴)، ص ۲۴۶.

برخی ورود هیئت معلمان را دو روز بعداز عزل امیر و بعضی دیگر ۷ روز پس از عزل او از صدارت و دو روز بعداز عزل از جمیع مناصب، یعنی ۲۷ محرم، دانسته‌اند، ولی با توجه به اینکه امیرکبیر پس از ورود آنها جان داود را به حضور خواسته و سفارش استادان را به او کرده است، معلوم می‌شود که اینها قبل ازگذشت پنج روز از عزل امیر وارد شده‌اند؛ زیرا امیرکبیر را روز ۲۵ محرم تبعید به کاشان کرده‌اند. نگاه کنیدبه: اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، (تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳)، ص ۱۱۰.

۹. لیدی شیل، همسر وزیر مختار انگلستان، در کتاب خاطرات خود می‌نویسند: "بعداز عزل میرزا تقی‌خان

امیرکبیر از صدارت عظمی، میرزاآقاخان نوری عریضه‌ای به شوهرم نوشت که چون شاه می‌خواهد مرا صدراعظم ایران بکند، لذا استدعا دارم مرا از تبعیت دولت انگلستان معاف فرمایند". جواب سفارت این بود: "مسلماً قرار داشتن در تحت حمایت انگلستان از تاج کیانی هم برتر است..." نگاه کنید به: مرلئونوراشیل، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسن ابوترابیان، (تهران: نشر نو، ۱۳۶۲)، ص ۲۲۳؛ خان ملک ساسانی، سیاستگذاران دورهٔ قاجار، (تهران: هدایت، بی‌تا)، ص ۱.

۱۰. پولاک، همان کتاب، ص۲۰۷.

۱۱. همان کتاب، ص ۲۰۹-۲۰۸.

۱۲. وقایع اتفاقیه، نمرهٔ ۴۴ پنجشنبه، دهم صفر ۱۲۶۸.

۱۳. محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، مرآة‌البلدان، به کوشش عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، ج۲، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷)، ص ۱۰۸۰.

در مورد نام دارالفنون گفتنی است نامی که در دستور استخدام معلمان برای مدرسهٔ نوبنیاد ذکر شده "مکتب‌خانهٔ پادشاهی"، نظیر مکتب سلطانی اسلامبول، بود. ولی بعداز آن، در مراسلات دیگر آن را "مدرسهٔ نظامیه" خوانده‌اند. در صورتی که روزنامهٔ وقایع اتفاقیه ضمن نقل خبر تأسیس، این اساس جدید آن را "تعلیم خانه‌ای" می‌نامد که "علوم و صنایع در آنجا تعلیم و تعلم می‌شود". اما همین روزنامه یک هفته پس از افتتاح، ضمن اصلاح نام یکی از معلمان اتریشی، مدرسه.را "موسوم به دارالفنون" می‌نویسد. در صورتی که مردم تهران همواره همان نام بدوی "تعلیم خانه" را به صورت "معلم خانه" بر آن اطلاق می‌کردند. نگاه کنید به: مقالهٔ محمدمحیط طباطبائی تحت عنوان "دارالفنون و امیرکبیر"، در کتاب امیرکبیر و دارالفنون به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴)، ص ۱۸۸-۱۸۷.

۱۴. عباس خاقانی، بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران (تهران: وزرات آموزش و پرورش، ۱۳۵۲)، ص۲.

۱۵. همان کتاب، ص ۳.

۱۶. فوریه، سه سال در دربار ایران، ترجمهٔ عباس اقبال، به‌کوشش همایون شهیدی، (تهران: دنیای کتاب، بی‌تا)، ص ۲۱۷.

۱۷. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۴)، ص ۳۶۷ به نقل از خاطرات لیدی‌شیل.

۱۸. جرج ن.کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمهٔ وحید مازندرانی، ج۱، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷)، ص ۶۳۹.

۱۹. آدمیت، همان کتاب، ص ۳۶۰.

۲۰. اقبال آشتیانی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، به اهتمام ایرج افشار، (تهران:قومس، ۱۳۵۵)، ص ۱۶۲.

۲۱. اعتمادالسلطنه، همان کتاب، ج۲، ص ۱۰۸۶-۱۰۸۵. برای توضیح بیشتر نگاه‌کنیدبه: محبوبی اردکانی، همان کتاب، ص ۲۹۰-۲۸۳.

۲۲. اقبال آشتیانی، "بعداز صدسال"، یادگار، ص ۴.

۲۳. دارالفنون درکنار تعلیم و تربیت و فعالیتهای علمی خود به ترجمهٔ کتابهای فرنگی نیز توجه کرد. از جمله نخستین ترجمه‌ها که نمودار سلیقه عاری از تمیز و تشخیص آن روزگار است عبارت‌اند از: تلماک فنلون، تاریخ ناپلئون، کنت منت کریستو، سه تفنگدار، سفرنامهٔ استانلی و آثار جرج رالینسون دربارهٔ ساسانیان به نام هفت پادشاهی بزرگ نمونهٔ توجه به تاریخ پیش از اسلام است که پیش از قاجار پدیدار شده بود و نیز کتابهای ریاضیات، تشریح، فیزیک، هندسه و غیره. برای توضیح بیشتر نگاه کنید به: الساندرو باوازانی: ایرانیان، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا، (تهران: روزبهان، ۱۳۵۹)، ص ۲۶۱.

۲۴. شفق سرخ، شمارهٔ ۲۷۴۶.

صورت قرارنامه ایست که از جانب مسیو [illegible] در دست مسیو کپیتان [illegible] است

بنده درگاه مترجم اول دولت علیه ایران و مترجم اول سفارت [illegible] اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه [illegible]

[illegible]

Teheran den 1. März 1883

Kontrakt

مابین دولت علیه ایران بوکالت جناب مخبرالدوله وزیر علوم و دکتر آلبو رعیت دولت پروس قرارنامه ذیل برقرار شد

Zwischen der hohen persischen Regierung vertreten durch Seine Excellenz Mokhber ed Dowlet, Minister des öffentlichen Unterrichts und der Telegraphen sowie durch Seine Excellenz Mirza Said Khan, Minister der äußeren Angelegenheiten zu Teheran, einerseits und dem preußischen Unterthan, dem praktischen Arzte Dr. med. J. Albu aus Berlin zur Zeit in Teheran andrerseits ist nachfolgender Engagements-Kontrakt verabredet, abgeschlossen, unterschrieben und untersiegelt.

اول — دولت علیه ایران دکتر آلبو را از بیست و چهارم سپتامبر ۱۸۸۲ مسیحی که مطابق دهم شهر ذیقعده الحرام ۱۲۹۹ است الی انقضای مدت سه سال به معلمی علم طب مدرسه مبارکه دارالفنون و هر چه مربوط باین علم باشد معین می کند

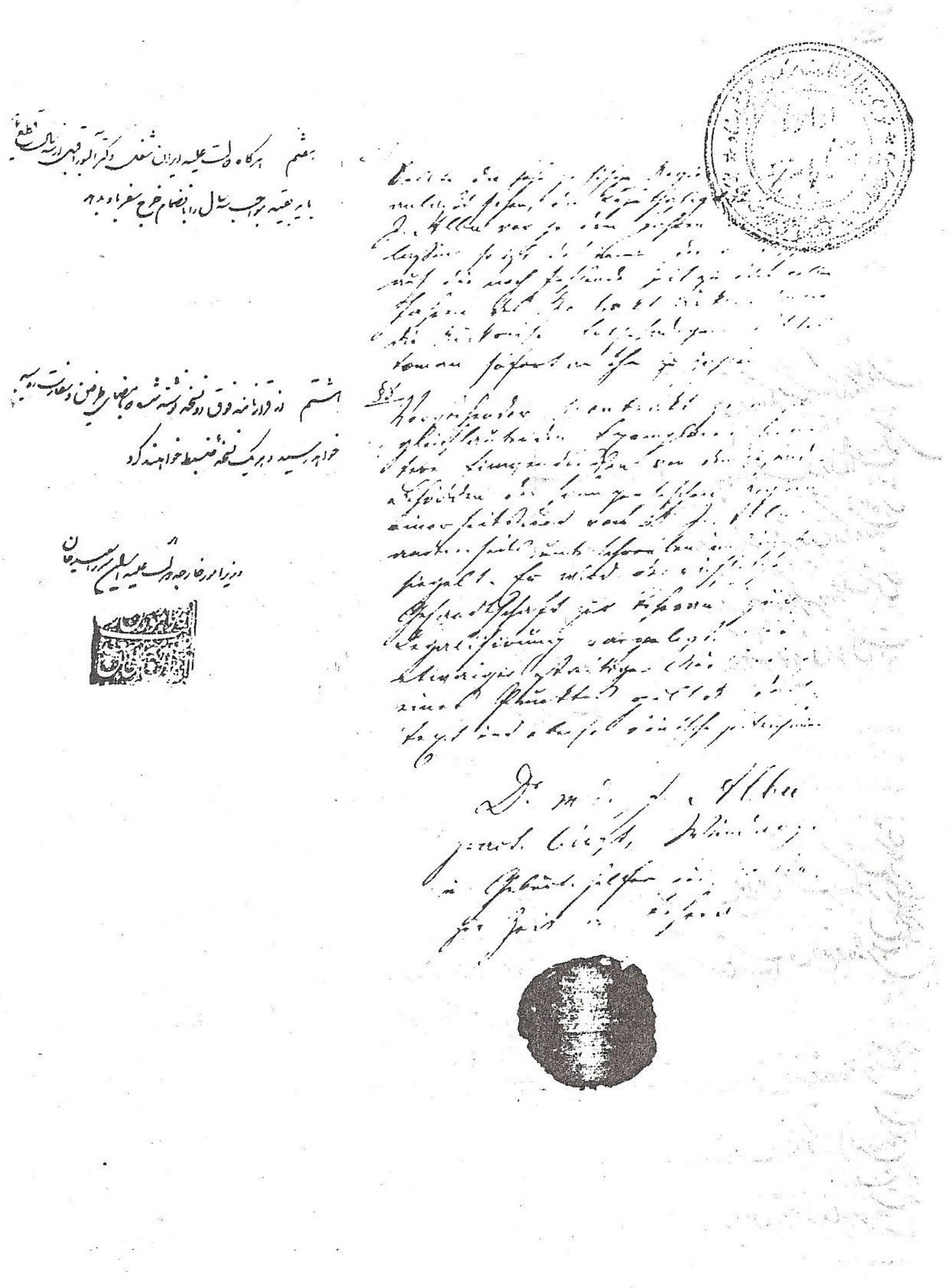
§1. Die hohe persische Regierung hat den doctor medicinae J. Albu aus Berlin auf drei Jahre vom 24. September 1882 ab, als Lehrer für den medizinischen Unterricht am Kaiserlichen [illegible] (Polytechnicum, Madreseh [illegible]) mit dem Titel und Range eines Professors angestellt.
Auf Befehl Seiner Excellenz Mirza Said Khan [illegible] Dr. Albu [illegible] ärztliche Beschäftigungen [illegible].

دوم — بموجب دکتر آلبو در این سه سال سالی هزار تومان پول ایران که باقساط سه ماه به سه ماه داده خواهد شد

§2. Der Dr. J. Albu erhält ein jährliches Gehalt von eintausend [illegible] persischer Währung in [illegible] Raten [illegible] am 24. September, am 24. Dezember, am 24. März und am 24. Juni jedes Jahres [illegible].

سیم دولت علیه [illegible] دکتر البو [illegible] را در [illegible] هر یک یکصد و پنجاه تومان داده خواهد شد	[illegible]
چهارم هرگاه خبر فسخ [illegible] شش ماه قبل از انقضای سال داده نشود همین قسم [illegible] تا یک سال دیگر [illegible] سال دوم مواجب دکتر البو سالی هزار و یکصد تومان خواهد بود	44 [illegible] 1885 [illegible] Vom 27. [illegible] 1885 [illegible]
پنجم دکتر البو در مدرسه یک اطاق [illegible] کلینیک [illegible] و اطفال را خواهد نمود و ترتیب دواخانه نیز خواهد داد	45 [illegible] (Marischan) [illegible] Dr. [illegible] Albu [illegible]
ششم برای ترجمه درسهای دکتر البو از اداره مدرسه مترجم قابل داده خواهد شد	46 [illegible] Dr. [illegible] Albu [illegible] persische Regierung [illegible]

٦٧



هفتم هرگاه دولت علیه ایران شغل دکتر آلبو را قبل از انقضای سال قطع
باید بقیه مواجب سال را با انضمام خرج سفر باو بدهد

هشتم این قرارنامه فوق دو نسخه نوشته شده به مهر طرفین و سفارت
خواهد رسید و هر یک نسخه ضبط خواهند کرد

وزیر امور خارجه دولت علیه ایران میرزا سعید خان

قرارنامه‌ایست که فیمابین جناب مستطاب اجل وزیر امور خارجه از جانب دولت علیه ایران

با مسیو ادوارد کهلر معلم توپخانه که منعقد گردیده است

Convention

conclue par Son Excellence le Minis[tre] des affaires Etrangères de Sa Majes[té] Impériale le Shah de Perse, agiss[ant] au nom de son souverain [...] d'une part, Et Monsieur le Sou[s] Officier d'artillerie Edouard Köh[ler] agissant à son propre compte; d'autre part.

فصل اول — مسیو ادوارد کهلر معلم توپخانه که متعهد است که داخل در خدمت دولت علیه ایران باسم معلم توپخانه از جانب دولت علیه ایران اشتغال ورزد و افواجی را که از جانب وزارت جنگ دولت علیه ایران و در مکانهایی که از جانب حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد والا اقدس نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ معین شود مطابق دستورالعملی که الان در قشون دولت اطریش و مجارستان معمول است مشق داده و تعلیم نماید

Art. 1er Mr. Edouard Köhler s'engage à rentrer au service du Gouvernement de S. M. I. le Shah de Perse, en qualité d'instructeur d'[ar]tillerie, c'est à dire pour instru[ire] et exercer les troupes qui lui sero[nt] confiées par le Ministère Impérial de la guerre persan et dans les lieu[x] désignés par Son Altesse Impéria[le] Naib us Sultaneh Ministre de la guerre, Emir Kébir, d'après les règlements et statuts actuellemen[t] en vigueur dans l'armée Imp[ériale] & Royale Austro-Hongroise.

فصل دوم — درجه منصبی که در قشون دولت علیه ایران مسیو ادوارد کهلر معلم توپخانه خواهد داشت بموجب حکمی که از جانب حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد والا نایب السلطنه [illegible] داده خواهد شد

Art. 2. Le grade de Mr. Edouard Köhler dans l'armée Impéria[le] Persane sera désigné par Son Altesse Impériale Naib us Sultan[eh]

فصل سیم — دولت علیه ایران از طرف خود متعهد می‌شود [illegible] در قرارداد [illegible] بموجب قرارداد [illegible]

مبلغ [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

Art. 3. Le gouvernement Impérial Persan s'engage de son côté à rétri[-]buer les services rendus par Mr. Edouard Köhler de la manière sui[-]vante: Il paiera à Mr. Ed. Köhler comme il avait été convenu dan[s] le contrat [...]

[illegible]

فصل چهارم [illegible]

فصل پنجم [illegible]

فصل ششم [illegible]

فصل هفتم [illegible]

... [illegible] ...
plus une augmentation de Douze Cents Krans, accordée par le Gouv. Imp.l Persan à partir de ce jour ce qui porte l'appointement actu[el] de Mr. Ed. Köhler à la somme t[otale] de Quatre mille et Cinq Cents K[rans] payables par trimestre et par anticipation. —

Art. 4. Le service de Mr. Ed. Köhler sera compté à partir du jour de signature du présent contrat et c['est] à commencer de cette date que les appointements fixés dans l'article lui seront dûs. —

Art. 5. Seront remis à Mr. Ed. Kö[hler] le jour de la signature du prése[nt] contrat trois mois d'appointem[ents] à savoir Onze Cent & Vingt Cinq Kr[ans]

Art. 6. Mr. Edouard Köhler pour ses services sera complètement s[u]bordonné aux ordres de Son Altes[se] Impériale Naib us Sultaneh ou de son délégué comme les autres [illegible] officiers indigènes. — En cas [illegible] d'expédition il les accompagne[ra] sans aucune autre prétention; selon aussi le désir de Son Alte[sse] Naib us Sultaneh il sera caser[né] avec le régiment auquel il est attaché. —

Art. 7. — La durée de ce contrat, [à] partir du 15 Décembre 1882 est [de] trois années solaires complètes, [et] si après ces trois années ce con[trat] n'était pas renouvelé le gouver[ne]ment Impérial Persan [illegible]

به فرنگستان دولت علیه ایران مبلغ یکهزار و یکصد قران علاوه و مرحمت میشود

در طهران [illegible] پانزدهم ماه دسامبر [illegible] مسیحی مطابق [illegible]
هجری در دو نسخه نوشته شده است

à Mr Ed: Kohler la somme
Onze Cents Krans à titre de
de Voyage pour son retour en
Europe. —
Fait en double à Téhéran
le quinze décembre 1880 deux

Edouard Kohler

صورت شرایط قرارنامه‌ئی بین اولیای دولت علیحضرت اقدس شاهنشاهی با مسیو ودلیه مهندس

فصل اول

اولیای دولت علیحضرت اقدس شاهنشاهی ایران بموجب این قرارنامه حاضره و شرایط ذیل مسیو ودلیه مهندس را که تصدیق از وزارت فلاحت و تجارت و فوائد عامه فرانسه دارد وارد خدمت دولت علیه می‌نمایند

فصل دویم

طول مدت خدمت مسیو ودلیه از قرار این قرارنامه اجرا میشود سه سال تمام است یعنی از تاریخ بیست و یکم ماه مارس ۱۸۹۲ فرانسه مطابق بیست سیم ربیع ثانی روز نوروز تا سه نوبت تحویل ۱۲۹۹ هجری ۱۸۹۵ مسیحی و اجرت او بحساب سالی هزار و سیصد و دو هجری احتساب خواهد شد

فصل سیم

مواجب مسیو ودلیه در سالی مبلغ هزار و دویست تومان مرایج ایران است که هر سه ماه به سه ماه پرداخت شود

فصل چهارم

موجب همین قرارنامه مسیو ودلیه متعهد و متقبل میشود که حرفه و صنعت کارخانه چوب‌ریزی با کارخانهای که در قورخانه دولت رسیده کار نموده اولاً مواظبت و اهتمام تام کرده چوب لازم ممتاز کم خرج بعمل آورده بمصرف بکشد همه نوع اشیاء از قبیل چرخ دندانه و قطعات ماشینهای کوچک و بزرگ و صفحات نازک و با چرخ لاغ و سایر مصنوعات معموله در کارخانجات فرنگستان بریزد ثانیاً ساختن و تربیت قالب اشیاء مذکوره بر عهده مشارالیه نیست بلکه در زمره شغلهای مخصوص قورخانه است ثالثاً سرکشی و مراقبت از

دستگاههای کارخانهای قورخانه نبستند تا هر گونه عیب و نقصی که دیده شود رفع نمایند و هر گاه دستگاهی تازه لازم باشد

در صورت امکان به معاونت عملجات و اسباب موجوده قورخانه را هم بسازند

ایضاً تکلیف مشارالیه است که دستگاههای کوچک و بزرگ و افزار که کارهای لولههای [illegible] را که به کار آید از آهنگری مصنوع و خصوصاً

مخصوص ترتیب اشیاء بزرگ و کوچک و [illegible] ساخته [illegible] که محکمتر باشند و بعد از تعلیم استادان

دستگاههای صنعت را بکار بیفکنند

فصل پنجم

مسیو دولیه همواره بلاواسطه محکوم به حکم و اوامر حضرت مستطاب اشرف امجد والا نایب السلطنه امیرکبیر و وزیر جنگ و دریاداری

وزیر قورخانه خواهد بود حضرت مستطاب اشرف امجد والا در وصول قورخانه را لازم است که کتابت و افزار و سایر ملزومات کار

کارهای محوله مسیو دولیه را تدارک و موجود کنند و نیز کمال مراقبت و اهتمام تام را داشته باشند که مطابق میل مسیو [illegible] موافق

دستورالعمل مشارالیه در همه جا بی تغییر رسومات معموله رفتار نمایند که [illegible] نکنند و از آن طرف مسیو دولیه برای ترتیب عملجات

~~[illegible]~~ را به هر نوع قاعده و صورت [illegible] صنعتگری میخواهد مجری دارند [illegible]

فصل ششم

و دیگر آنکه به مقتضای وجوب عنوان مسیو دولیه را مأمور سرکشی و رسیدگی سایر کارخانجات چون زرگری و آهنگری ایران و خصوصاً

کارخانجاتی که در [illegible] و [illegible] موجود است نمود در این صورت مسیو دولیه باید با کمال مشخصه رفته کارخانجات را ملاحظه

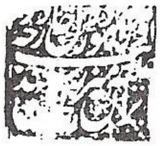
نموده و دستورالعمل لازمه در همه جا طرز چون زرگری و آهنگری که حالا معمول است [illegible] معروف [illegible] به طوری که [illegible]

سپاه کم خرج مخصوص قورخانه دارالخلافه باهره طهران و تخمین آنها که در فصل چهارم ذکر شد بعمل بیاید

فصل هفتم

هر دفعه مسیو دو ولیه از طرف دولت بجهت سرکشی کارخانجات تجربه گری یا کار دیگر در خاک مملکت ایران مأمور شد

یا هنگامی که در سفر است بعلاوه مواجب مقرره روزی دو تومان بعنوان مخارج سفر باو داده شود تا ایام حرکت در دوره ... محسوب شود



فصل هشتم

مسیو دو ولیه متعهد و متقبل میشود که قوانین و رسومات معموله ایران را محترم و منظور بدارد

Contrat entre le Gouvernement de Sa Majesté le Chah de Perse et Monsieur Vauvillier, ingénieur.

Article I

Le Gouvernement de Sa Majesté Impériale le Chah de Perse engage à son service par le présent contrat Monsieur Vauvillier Claude Joseph dit Félix ingénieur civil français [illegible] au Ministère de l'Agriculture du Commerce et des Travaux publics de France.

Article II

La durée de cet engagement est de trois années solaires qui courront à partir du vingt un Mars Mil huit cent quatre-vingt deux, commençant à fin Rebbiel sani jour de no rouz de cette année grand Mill deux cent quatre-vingt dix neuf de l'hégire [illegible] Mil huit cent quatre vingt cinq soit fin de Djemadi el ewel jour de no rouz Mill trois cent deux de l'hégire.

Article III

~~[illegible]~~

Mille deux cents tomans [illegible] année [illegible] trimestre.

Article IV

[illegible]

1° [illegible]

[illegible]

de Téhéran et il devra les visiter, corriger les défauts qu'il y découvrira, réparer si c'est possible celles qui seront hors de service, le tout à l'aide des ouvriers et des machines dont l'arsenal dispose actuellement.

Monsieur Vauvillier devra aussi construire des machines outils de tout genre pour faciliter le travail du bois et du fer et notamment des presses pour la confection d'objets divers en laiton et en cuivre à la condition toutefois que ces machines soient simples, Monsieur Vauvillier ne s'engageant nullement à entreprendre la construction de machines qui présenteraient quelque complication.

Article V

Monsieur Vauvillier sera placé sous les ordres immédiats de Son Altesse Impériale le Prince Naïeb Saltané Ministre de la Guerre ou de toute autre personne appelée à la Direction de l'arsenal de Téhéran.

Son Altesse Impériale le Prince Naïeb Saltané ou tout autre Directeur des arsenaux devra mettre à la disposition de Monsieur Vauvillier les ouvriers, outils et matières nécessaires à la bonne exécution des travaux dont il sera chargé et devra veiller à ce que les ouvriers travaillent chacun dans leur partie suivant les instructions que Monsieur Vauvillier aura à leur donner pour améliorer ou même changer les procédés actuellement suivis.

De son côté Monsieur Vauvillier devra chercher à rendre capables les ouvriers mis à sa disposition en leur enseignant [illegible] des procédés [illegible] [illegible] pendant tous les différents travaux qu'il [illegible]

Article VI

Monsieur Vauvillier sera [illegible] chargé de la surveillance des différentes fabrications de fonte de fer [illegible] dans les diverses régions de la Perse et notamment de celles [illegible] trouvent à [illegible] et [illegible]. En conséquence [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] celui-ci soit entièrement semblable [illegible] [illegible] à celle [illegible] [illegible] [illegible] dont il est parlé à l'article IV du présent contrat

Article VII

Toutes les fois que Monsieur Vauvillier mettra [illegible] dans le territoire de Sa Majesté Impériale, soit pour la surveillance des mines métallurgiques, soit pour tout autre travail sur le territoire de la Perse, il lui sera alloué outre ses honoraires et à titre de frais de voyage une somme de [illegible] tomans par chaque [illegible] [illegible] [illegible] et le jour d'arrivée.

Article VIII

Monsieur Vauvillier s'engage à remettre les [illegible] et [illegible] dans les [illegible]

Fait à Téhéran le 7 Mars 1882

Enregistré sur le registre des actes notariés tenu en la Chancellerie de la Légation de France.

Téhéran le 3 Avril 1882

Le Drogman Chancelier

L. Colomb [illegible]

N° 93
3 Avril
Tarif art. 183
8
Reçu

[illegible] Perse

وزارت امور خارجه
مورخه ۲۵ شهر [illegible]
سنه ۱۳۰۳
نمره ۱۰

این فصول منتخب با جناب اشرف امجد مشیرالدوله وزیر امور خارجه و مسیو لمر که در پاریس [illegible] تولد یافته و در طهران مسکن دارد و رئیس موزیکانچیهای نظامی اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی است [illegible] فقرات منفصله ذیل قرار گذارده است

فصل اول

مسیو لمر متعهد میشود از روز بیست و یکم ماه مارس ۱۸۸۷ مطابق بیست و پنجم ماه جمادی الثانی [illegible] تا مدت سه سال ریاست موزیکانچیهای قشون ایران [illegible]

(حاشیه: از عید نوروز [illegible] ۱۳۰۴)

فصل دوم

مسیو لمر متعهد میشود موزیکانهای نظامی مخصوصه را در افواج [illegible] موزیکانچیهای ایرانی بسیار خوب بیاموزد و باید جمیع اهتمام و توجه را در تکمیلات این صنعت [illegible] بنماید مسیو لمر بعلاوه از این متعهد میشود که دو نفر رئیس موزیکانچی را تعلیم و تربیت نماید [illegible] بتوانند از عهده [illegible] موزیکانچیان نظامی و تعلیم موزیکانچیان برآیند

فصل سیم

دولت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله سلطانه از طرف خود متعهد میشوند به مسیو لمر [illegible] مبلغ [illegible] الفات [illegible]

[illegible]

فصل چهارم

در جمیع خواهشها و مطالبات مسیو لمر خود را [illegible] باید فقط با اطلاع جناب اشرف امجد مشیرالدوله وزیر امور خارجه [illegible] نه آنکه [illegible] تعیین [illegible] وضع دیگر اختیار نماید علاوه بر این مسیو لمر متعهد میشود [illegible] از جانب حضرت اسعد ارفع اعظم والا [illegible] مملکت را احترام [illegible] مسیو لمر باید [illegible]

فصل پنجم

چنانکه دولت [illegible] مسیو لمر [illegible]

فصل ششم

[illegible]

فصل هفتم

مسیو لمر متعهد میشود [illegible]

۲۵ جمادی [illegible] ۱۳۰۴ مطابق [illegible]